

## \* قواعد درس سوم و چهارم \_ فعلهای ثلاثی مزید \*

\* هر فعل عربی یک ریشه ی سه حرفی دارد مثل؛ عَلِمَ، جَلَسَ، نَصَرَ، و .... که گاهی اوقات به این ریشه ی سه حرفی یک یا چند حرف اضافه شده و باعث تغییر معنی آن فعل میشود. اصطلاحاً به اینگونه فعلها که به ریشه ی سه حرفی آنها یک یا چند حرف اضافه شده، ثلاثی مزید میگوئیم. ( ثلاثی یعنی سه تایی، مزید یعنی اضافه ) عبارتی یعنی بیشتر از سه تا (😊)

مثلاً عَلِمَ؛ دانست، شناخت. این فعل وقتی تبدیل به ثلاثی مزید بشود معنی آن فرق میکند. تَعَلَّمَ؛ یادگرفت.

اینجا دو حرف به ریشه ی اصلی اضافه شده، یکی حرف « ت » و دومی حرف « ل » ( چون روی حرف « ل » تشدید هست یعنی دو حرف « ل » در این فعل داریم.)

\* بنابراین اگر فعلی در صیغه ی سوم شخص مفرد مذکر ماضی ( لِلغَائِبِ ) سه حرف داشته باشد به آن ثلاثی مجرد و اگر بیش از سه حرف داشته باشد، به آن ثلاثی مزید میگوئیم.

كَتَبَ: ثلاثی مجرد // كَاتَبَ: ثلاثی مزید.

\* هدف از ساختن فعلهای ثلاثی مزید معمولاً ایجاد معانی جدید (از ریشه ی یکسان) می باشد:

مثال: خَرَجَ «خارج شد» // أَخْرَجَ «اخراج کرد» // تَخَرَّجَ «فارغ التحصیل شد» // اسْتَخْرَجَ «استخراج کرد».

\* فعلهای ثلاثی مزید هشت مدل هستند که در این دو درس با آنها آشنا میشویم.

\* وزن مصدر فعلهای ثلاثی مجرد قانون خاصی نداشته و هریک از آنها بر وزن جداگانه ای می آید.

مثال: جَلَسَ «صدر» // جُلُوس / ذَهَبَ «صدر» // ذَهَاب.

اما مصدر فعلهای ثلاثی مزید وزن خاصی دارند که فعلهای ثلاثی مزید را بر اساس وزن مصدرشان نامگذاری میکنیم.

و به هر مدل از این فعلها یک باب میگوئیم، مثلاً باب اسْتِفْعَال، باب تَفَعُّل و ....

## \* آشنایی با انواع بابهای ثلاثی مزید \*

## ۱\_ باب اِسْتَفْعَال؛ توضیحات: ﴿س﴾ ﴿س﴾

الف\_ فعل ماضی این باب بر وزن « اِسْتَفْعَلَ » می آید. مثلاً ﴿س﴾ اِسْتَخْرَجَ

ب\_ فعل مضارع بر وزن « یَسْتَفْعِلُ » ﴿س﴾ یَسْتَخْرِجُ

ج\_ فعل امر بر وزن « اِسْتَفْعِلْ » ﴿س﴾ اِسْتَخْرِجْ

د\_ مصدر آن بر وزن « اِسْتَفْعَالُ » ( بخاطر همین به آن باب اِسْتَفْعَال میگوئیم. ) ﴿س﴾ اِسْتِخْرَاجُ

هـ\_ چند مثال برای این باب ﴿س﴾ عَفَّرَ؛ بخشید ﴿س﴾ اِسْتَغْفَرَ؛ درخواست بخشش کرد.

خَرَجَ؛ خارج شد. ﴿س﴾ اِسْتَخْرَجَ؛ استخراج کرد.

## ۲\_ باب اِفْتِعَال؛ توضیحات: ﴿س﴾ ﴿س﴾

الف\_ ماضی بر وزن « اِفْتَعَلَ » ﴿س﴾ اِجْتَمَعَ

ب\_ مضارع بر وزن « یَفْتَعِلُ » ﴿س﴾ یَجْتَمِعُ

ج\_ فعل امر بر وزن « اِفْتَعِلْ » ﴿س﴾ اِجْتَمِعْ

د\_ مصدر بر وزن « اِفْتِعَالُ » ﴿س﴾ اِجْتِمَاعُ

هـ - چند مثال برای این باب ﴿س﴾ ﴿س﴾

جَمَعَ؛ جمع کرد ﴿س﴾ اِجْتَمَعَ؛ جمع شد.

سَمِعَ؛ شنید. ﴿س﴾ اِسْتَمَعَ؛ گوش داد.

## ۳\_ باب اِنْفَعَال؛ توضیحات

الف\_ ماضی بر وزن « اِنْفَعَلَ » اِنْكَسَرَ

ب\_ مضارع بر وزن « يَنْفَعِلُ » يَنْكَسِرُ

ج\_ فعل امر بر وزن « اِنْفَعِلْ » اِنْكَسِرْ

د\_ مصدر بر وزن « اِنْفَعَالٌ » اِنْكَسَارٌ

هـ - چند مثال برای این باب

كَسَرَ؛ شكاند. اِنْكَسَرَ؛ شكسته شد.

سَحَبَ؛ كشید. اِنْسَحَبَ؛ كشیده شد.

و\_ اکثر فعلهایی که داخل این باب قرار میگیرند، تبدیل به فعل لازم میشوند. یعنی نیاز به مفعول ندارند!

## ۴\_ باب تَفَعُّل؛ توضیحات

الف\_ ماضی بر وزن « تَفَعَّلَ » تَجَمَّلَ

ب\_ مضارع بر وزن « يَتَفَعَّلُ » يَتَجَمَّلُ

ج\_ فعل امر بر وزن « تَفَعَّلْ » تَجَمَّلْ

د\_ مصدر بر وزن « تَفَعُّلٌ » تَجَمُّلٌ

هـ - چند مثال برای این باب

جَمَّلَ؛ زیبا روی شد. تَجَمَّلَ؛ آرایش کرد.

صَوَّرَ؛ خم شد. تَصَوَّرَ؛ تصور کرد.

## ۵\_ باب «تَفَاعُلٌ»؛ توضیحات

الف\_ ماضی بر وزن «تَفَاعَلَ» ﴿تَفَاعَلَا﴾

ب\_ مضارع بر وزن «يَتَفَاعَلُونَ» ﴿يَتَفَاعَلُونَ﴾

ج\_ فعل امر بر وزن «تَفَاعَلْ» ﴿تَفَاعَلْ﴾

د\_ مصدر بر وزن «تَفَاعُلٌ» ﴿تَفَاعُلٌ﴾

هـ - در ترجمه ی این باب، معمولاً از کلماتی مانند «بایکدیگر، با همدیگر» استفاده میکنیم.

مثال ۱: تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى: در کارهای نیک و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید.

مثال ۲: يَتَرَاحَمُ الْخَلْقُ: مردم با یکدیگر مهربانی می کنند.

ز\_ چند مثال برای این باب

ظَهَرَ؛ آشکار شد، ظاهر شد. ﴿تَظَاهَرَ﴾؛ نشان داد، در معرض نمایش قرار داد.

قَبِلَ؛ پذیرفت، استقبال کرد. ﴿تَقَابَلَا﴾؛ بایکدیگر روبرو شد / روبرو شدند، با یکدیگر ملاقات کرد. / ملاقات کردند.

## ۶\_ باب مُفَاعَلَةٌ؛ توضیحات

الف\_ ماضی بر وزن «فَاعَلَ» ﴿كَاتَبَ﴾

ب\_ مضارع بر وزن «يُفَاعِلُ» ﴿يُكَاتِبُ﴾

ج\_ فعل امر بر وزن «فَاعِلْ» ﴿كَاتِبْ﴾

د\_ مصدر بر وزن «مُفَاعَلَةٌ» ﴿مُكَاتِبَةٌ﴾

هـ - این باب هم مانند باب تفاعل، معمولاً برای کارهای مشارکتی و دوطرفه کاربرد دارد. و در ترجمه آن معمولاً از کلماتی مانند «بایکدیگر، باهمدیگر» استفاده میکنیم. ﴿كَاتَبَ الصَّدِيقَانِ﴾: دو دوست با یکدیگر نامه نگاری کردند.

و\_ گاهی اوقات باب مُفَاعَلَةٌ دو مصدر دارد که مصدر دوم آن بر وزن «فِعَالٌ» می آید. ﴿يَأْتِي﴾

﴿مُسَابَقَةٌ﴾ مصدر دوم؛ سِبَاقٌ // ﴿مُجَاهَدَةٌ﴾ مصدر دوم؛ جِهَادٌ // ﴿مُقَاتَلَةٌ﴾ مصدر دوم؛ قِتَالٌ

ز\_ چند مثال از این باب

دَفَعَ؛ هُلْ داد، جلو برد. پرداخت ﴿دَفَعَ﴾ ایستادگی کرد، مقاومت کرد (در مقابل کسی یا چیزی)

كَتَبَ؛ نوشت. ﴿كَاتَبَ﴾ مکاتبه کرد، نامه نگاری کرد.

## ۷\_ باب «تَفْعِيلٌ»؛ توضیحات

الف\_ ماضی بر وزن «فَعَّلَ» ﴿صَدَّرَ﴾

ب\_ مضارع بر وزن «يُفَعِّلُ» ﴿يُصَدِّرُ﴾

ج\_ فعل امر بر وزن «فَعِّلْ» ﴿صَدِّرْ﴾

د\_ مصدر بر وزن «تَفْعِيلٌ» ﴿تَصْدِيرٌ﴾

(دقت کنید که رسم الخط عربی به گونه ای است که وقتی میخواهیم برای یک حرف تشدید دار حرکت کسره بگذاریم، حرکت کسره زیر تشدید قرار میگیرد نه زیر آن حرف!)

هـ - گاهی اوقات باب تفعیل، مصدر دوم هم دارد که بر وزن « تَفْعَلَةٌ » می آید.

بَصَّرَ ( فعل ماضی باب تفعیل) مصدر اول؛ تَبَصَّرَ ( بر وزن تَفْعِيل) / مصدر دوم: تَبَصَّرَ ( بر وزن تَفْعَلَةٌ)

\* دقت کنید که همه ی فعلهایی که بر وزن باب تَفْعِيل یا مُفَاعَلَةٌ هستند مصدر دوم ندارند و فقط برای بعضی فعلها مصدر دوم کاربرد دارد.

و\_ چند مثال از این باب

صَدَّرَ؛ ( ثلاثی مجرد) صادر شد، خارج شد. صَدَّرَ؛ ( ثلاثی مزید، باب تفعیل) فرستاد، ارسال کرد، صادر کرد.

صَدَّقَ؛ ( ثلاثی مجرد) راست گفت. صَدَّقَ؛ باور کرد، پذیرفت. ( ثلاثی مزید، باب تفعیل)

۸\_ باب افعال؛ توضیحات

الف\_ ماضی بر وزن « أَفْعَلَ » أَظْهَرَ

ب\_ مضارع بر وزن « يُفْعَلُ » يُظْهِرُ

ج\_ فعل امر بر وزن « أَفْعَلْ » أَظْهِرْ

د\_ مصدر بر وزن « اِفْعَالٌ » اِظْهَارٌ



هـ - در تمام فعلهای ثلاثی مجرد و مزید، فقط فعل امر باب افعال است که همزه ی آن، حرکت فتحه ( َ ) میگیرد.


أَكْرَمَ، أَطْلَقَ، أَحْسَنَ و ...


و\_ فعلهای باب افعال و تفعیل معمولاً متعدی هستند یعنی نیاز به مفعول دارند

أَظْهَرَ؛ ( باب افعال) آشکار کرد، ظاهر کرد. // طَهَّرَ؛ ( باب تفعیل) پاک کرد، تمیز کرد.

أَكْرَمَ ( باب افعال)؛ اِکْرَامٌ کرد، بزرگ دانست. ( یعنی یک نفر را بزرگ و محترم به حساب آوردن )

ز \_ چند مثال از این باب  



ظَهَرَ؛ ( ثلاثی مجرد ) ظاهر شد  أَظْهَرَ؛ ( ثلاثی مزید، باب افعال ) ظاهر کرد، آشکار کرد.




لَحِقَ؛ ( ثلاثی مجرد ) دست یافت، رسید.  أَلْحَقَ؛ ( ثلاثی مزید، باب افعال ) الحاق کرد، ضمیمه کرد، افزود.


\*مصدرهای ( إنتاج، إنقاذ، إنشاء، إنجاز، إنزال، إنفاق ) همگی از باب افعال هستند.

### \* شباهت بین باب ها \*

#### الف ( شباهت بین دو باب افتعال و انفعال ) :





\* اگر هنگام شناسایی باب یک فعل بین دو باب افتعال و انفعال شک کنیم ( البته در صورتیکه کاملاً مطمئن باشیم که فعل مورد نظر مربوط به یکی از این دو باب می باشد ) باید به سومین حرف فعل نگاه کنیم، ( حروف اصلی و غیر اصلی را باهم بشماریم ) اگر سومین حرف فعل « ت » باشد آن فعل از باب افتعال خواهد بود. ؛ مثلاً  

إِنْتَظَرَ  شاید در نگاه اول مشخص نباشد که این فعل مربوط به کدامیک از این دو باب هست. بنابراین باید به سومین حرف فعل نگاه کنیم ( ماضی، مضارع و امر هم فرقی نمیکند و در هر صیغه ای که باشد )   اگر سومین حرف فعل از اول، حرف

« ت » باشد، آن فعل مربوط به باب « افتعال » هست. اینجا سومین حرف فعل « إِنْتَظَرَ » حرف « ت » هست  پس این فعل از باب افتعال میباشد. ( از ریشه ی نَظَرَ )

#### ب) شباهت بین دو باب افتعال و استفعال:

\* فعلهایی مانند « سَرَقَ، سَمِعَ، سَلِمَ، سَتَرَ و .... » که با حرف « س » آغاز میشوند و این حرف جزء حروف اصلی آنها میباشد، اگر به باب افتعال بروند بسیار شبیه به باب استفعال خواهند شد و باید دقت کنیم که آنها را با باب استفعال اشتباه نگیریم:

سَرَقَ «» سَمِعَ «» اِسْتَمَعَ // سَلِمَ «» اِسْتَلَمَ // سَتَرَ «» اِسْتَتَرَ

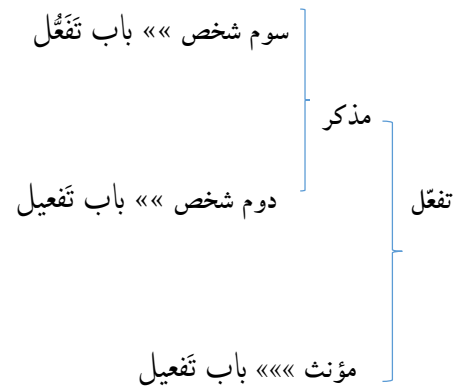
 فعلهای بالا همگی از باب افتعال هستند.

**ج) شباهت بین دو باب تَفَعَّل و تَفَعَّل :**

\* اگر کلمه ای به وزن ( تَفَعَّل ) و بدون حرکت باشد، بین دو باب تَفَعَّل و تَفَعَّل مشترک خواهد بود که در این حالت دو راه برای تشخیص باب آن وجود دارد:

۱- اگر وزن « تَفَعَّل » در حالت ماضی، امر و یا مصدر باشد از باب تَفَعَّل و اگر در حالت مضارع باشد از باب تَفَعَّل خواهد بود.

۲- روش دوم طبق فرمول زیر است: ( البته این روش برای موقعی است که فعل مورد نظر حتما ماضی یا مضارع باشد. )



مثال ۱: قَدْ تَعَوَّدَ الْإِنْسَانُ أَنْ يَهْرَبَ مِنْ عَدُوِّهِ.

👉 در اینجا با توجه به کلمه ی ( الْإِنْسَانُ ) و ضمیر « هـ » در کلمه ی ( عَدُوِّهِ ) متوجه میشویم که فعل مورد نظر سوم شخص مذکر می باشد. بنابراین فعل ( تَعَوَّدَ ) مربوط به باب تَفَعَّل است.

مثال ۲: تَعَلَّمَ الْمَعْلَمَةُ الطَّالِبَاتِ.

👉 در اینجا با توجه به کلمه ی ( الْمَعْلَمَةُ ) متوجه میشویم که کلمه ی ( تَعَلَّمَ ) مؤنث می باشد. بنابراین فعل ( تَعَلَّمَ ) مربوط به باب تَفَعَّل است.

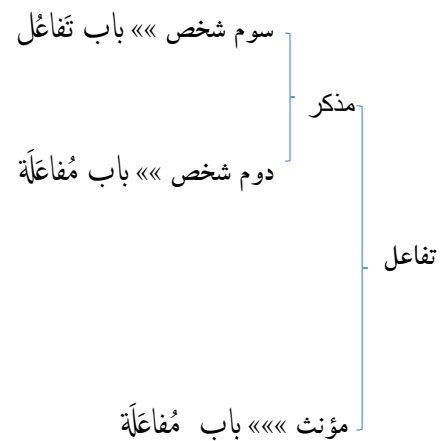


**( د ) شابهت بین دو باب تفاعل و مُفاعلة**

\* اگر کلمه ای به وزن ( تفاعل ) و بدون حرکت باشد، بین دو باب تفاعل و مُفاعلة مشترک خواهد بود که در این حالت دو راه برای تشخیص باب آن وجود دارد:

۱- اگر وزن « تفاعل » در حالت ماضی، امر و یا مصدر باشد از باب تفاعل و اگر در حالت مضارع باشد از باب مُفاعلة خواهد بود.

۲- روش دوم طبق فرمول زیر است: ( البته این روش برای موقعی است که فعل مورد نظر حتما ماضی یا مضارع باشد. )



مثال ۱ : تعامل التاجر في سوق مدينته.

👉 در اینجا با توجه به کلمه ی ( التاجر ) و ضمیر « ه » در کلمه ی ( مدينته ) متوجه میشویم که فعل مورد نظر سوم شخص مذکر می باشد. بنابراین فعل ( تعامل ) مربوط به باب تفاعل است.

مثال ۲ : مریم تشاهد افلاماً في الإنترنت.

👉 در اینجا با توجه به کلمه ی ( مریم ) متوجه میشویم که کلمه ی ( تشاهد ) مؤنث می باشد. بنابراین فعل ( تشاهد ) مربوط به باب مُفاعلة است.

مثال ۳ : هل انت تسافر الى شيراز؟

👉 در اینجا با توجه به ضمیر « انت » متوجه میشویم که فعل مورد نظر دوم شخص مذکر می باشد. بنابراین فعل ( تسافر ) مربوط به باب مُفاعلة است.

**هـ) شباهت بین فعلهای ماضی و امر**

\*در بیشتر بابهای ثلاثی مزید، فعلهای ماضی و امر بسیار شبیه به همدیگر میشوند و در صورتیکه حرکت گذاری نشده باشند کاملاً مشابه یکدیگر خواهند بود. در این صورت باید داخل جمله فعل مورد نظر را به هر دو حالت ماضی و امر ترجمه کنیم تا بفهمیم آن فعل به کدام حالت بهتر معنی میدهد.

مثال ۱: يَا أَهْمَا الطَّلَابُ تَعَلَّمُوا اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ.

👉 تَعَلَّمُوا: ترجمه به حالت ماضی «تعلّمید» یاد گرفتند. ✗ اشتباه

ترجمه به حالت امر «تعلّمید» یاد بگیرید. ✓ صحیح

👉 بنابراین فعل «تَعَلَّمُوا» یک فعل امر می باشد.

مثال ۲: الطَّلَابُ تَعَلَّمُوا اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ.

👉 تَعَلَّمُوا: ترجمه به حالت ماضی «تعلّمید» یاد گرفتند. ✓ صحیح

ترجمه به حالت امر «تعلّمید» یاد بگیرید. ✗ اشتباه

👉 بنابراین فعل «تَعَلَّمُوا» یک فعل ماضی می باشد.

## \* نکات کلی \*

\* گاهی اوقات در مورد تعداد حروف زائد فعلهای ثلاثی مزید سوال می شود که در این صورت باید به صیغه ی سوم شخص مفرد مذکر ماضی فعل مورد نظر برگردیم و تعداد حروف زائد آنرا مشخص کنیم.

مثال: «سَخَّرَ» صیغه ی سوم شخص مفرد ماضی «سَخَّرَ» «سَخَّرَ» ۳ حرف زائد

\* بیان تعداد حروف زائد به زبان عربی :

الف) یک حرف زائد ﴿﴾ ﴿﴾ ﴿﴾ مزید ثلاثی بِزِیَادَةِ حَرْفٍ وَاحِدٍ

ب) دو حرف زائد ﴿﴾ ﴿﴾ ﴿﴾ ﴿﴾ مزید ثلاثی بِزِیَادَةِ حَرْفَیْنِ

ج) سه حرف زائد ﴿﴾ ﴿﴾ ﴿﴾ ﴿﴾ ﴿﴾ ﴿﴾ مزید ثلاثی بِزِیَادَةِ ثَلَاثَةِ حُرُوفٍ (ثَلَاثَةُ أَحْرَافٍ)

\* نحوه ی ساختن انواع فعل های ماضی، مضارع، امر، نهی، مستقبل، و . . . در ثلاثی مزید دقیقا مانند ثلاثی مجرد است

( طبق فرمولهای ارائه شده در جدول درس اول و توضیحات مربوط به آن ) با این تفاوت که در فعلهای ثلاثی مزید باید حواسمان به وزن باب های ۸ گانه نیز باشد.

\* برای تشخیص باب یک فعل باید شناسه ها را از آخر فعل حذف کنیم و سپس آن فعل به دست آمده را با وزن باب های ۸ گانه مطابقت دهیم. ضمنا اگر فعل مورد نظر مضارع باشد برای آسان شدن کار، حرف مضارع آن فعل را تبدیل به ( ی ) میکنیم.

مثال ۱: تَسْتَحْدِمَانِ ( مضارع ) «سَخَّرَ» «سَخَّرَ» «سَخَّرَ» «سَخَّرَ» یَسْتَحْدِمُ ( بر وزن یَسْتَفْعَلُ ) «سَخَّرَ» باب اِسْتِفْعَالِ

مثال ۲: تَقَدَّمَ ( ماضی ) «سَخَّرَ» «سَخَّرَ» «سَخَّرَ» «سَخَّرَ» تَقَدَّمَ ( بر وزن تَفَعَّلَ ) «سَخَّرَ» باب تَفَعَّلَ

مثال ۳: اِسْتَرْكُوا ( امر ) «سَخَّرَ» «سَخَّرَ» «سَخَّرَ» «سَخَّرَ» اِسْتَرْكُوا ( بر وزن اِفْتَعَلَ ) «سَخَّرَ» باب اِفْتِعَالِ

\* فعل امر در بابهای « تَفَاعُلٌ، تَفَعُّلٌ، مُفَاعَاةٌ، تَفْعِيلٌ » نیازی به همزه ندارد، چون وقتی حرف مضارع حذف میشود حرف بعد از آن متحرک است.

مثال ۱: تَتَّظَاهَرُ (نشان می دهی، در معرض نمایش قرار می دهی) فعل امر؛ تَتَّظَاهَرُ همزه به فعل اضافه نشده، چون وقتی « ت » اولی حذف میشود، «ت» دوم متحرک هست و نیازی به همزه نمی باشد.

مثال ۲: تَتَخَرَّجُونَ (فعل امر) «تَخْرَجُوا» همزه به فعل اضافه نشده، چون وقتی « ت » اولی حذف میشود، «ت» دوم متحرک هست و نیازی به همزه نمی باشد.

مثال ۳: تُكَاتِبَانِ (فعل امر) «كَاتِبَا» همزه به فعل اضافه نشده، چون وقتی « ت » اولی حذف میشود، حرف « ک » متحرک هست و نیازی به همزه ندارد.

\* ابتدای فعل ماضی در باب های « تَفَاعُلٌ و تَفَعُّلٌ » دارای حرف ( تَ ) می باشد که باید مراقب باشیم آنها را با فعل مضارع اشتباه نگیریم.